

سُبْحَانَكَ يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

10/10/11

۸۷/۱/۰۵۵۴۵
۸۷/۱۲۶



کلیه اصول الدین

دانشکده اصول الدین

تهران

گروه: علوم قرآن و حدیث

پایان نامه کارشناسی ارشد (M.S)

موضوع:

قرآن، و فرهنگ عصر نزول

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر مجید معارف

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر سید کاظم عسگری

نگارش:

زینب باستانی

سال تحصیلی: ۸۶-۸۵

نیمسال: دوم

ب

۱۰۷۰۷۷



كلية اصول الدين

«تهران»

قسم: علوم القرآن والحديث

رسالة ماجستير

عنوانها

القرآن الكريم وثقافة عصره

الاستاذ المشرف

الدكتور مجيد معارف

الاستاذ المشاور

الدكتور سيد كاظم العسكري

اعداد

زينب باستاني

السنة

١٤٢٨

سپاسگزاری

با سپاس و تشکر بی کران از خالق هستی و

با تشکر از پدرم و مادر عزیزم که در راه تحصیل علم از هیچ کمکی دریغ نکردند

و از اساتید بزررگوارم

که در راه فراگرفتن علم قدم به قدم مرا راهنمایی و حمایت کردند.

تقدیم به:

پیشگاه پیامبر اعظم

- صلی الله علیه وعلی اله و سلم - که سختی

رسالت را به جان خرید و قافله بشری را به صراط

مستقیم هدایت نمود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	پیشینه تحقیق:
۴	هدف تحقیق:
۴	روش تحقیق:
۵	سؤالات تحقیق:
۵	فرضیات تحقیق:
۵	منابع تحقیق:
۶	ارکان تحقیق:
۷	فصل اول: کلیات
۸	معناشناسی واژگان
۱۰	۱-۱ معناشناسی واژه «فرهنگ»:
۱۰	۱-۱-۱ معنای لغوی
۱۲	۱-۱-۲ معنای اصطلاحی

- ۱-۲ معناشناسی واژه «قرآن»: ۱۳
- ۱-۲-۱- معنای لغوی ۱۳
- ۱-۲-۲- معنای اصطلاحی ۱۴
- فصل دوم: قرآن کریم و ویژگی‌های آن ۱۵
- ۲-۱- و حیانی بودن قرآن کریم: ۱۷
- ۲-۲- نام‌ها و اوصاف قرآن: ۱۷
- ۲-۳- سهل ممتنع بودن قرآن: ۱۸
- ۲-۴- زبان قرآن: ۱۹
- ۲-۵- هدایت و انداز: ۱۹
- ۲-۶- جامع بودن: ۲۱
- ۲-۷- عدم تحریف: ۲۱
- ۲-۸- خطاب‌های قرآن: ۲۲
- ۲-۹- جاودانگی قرآن: ۲۳
- ۲-۹-۱- برخوردار از عمق و ژرفا ۲۴
- ۲-۹-۲- کلان‌نگری ۲۵
- ۲-۹-۳- تمرکز بر نیازهای اساسی ۲۵
- فصل سوم: جاهلیت و ویژگی‌های آن ۲۷
- ۳-۱- معناشناسی واژه جاهلیت: ۲۹
- ۳-۱-۱- دلایل عقلی ۳۱
- ۳-۱-۱-۱- تحدی قرآن ۳۱
- ۳-۱-۱-۲- میراث عظیم ۳۱
- ۳-۱-۱-۳- هدف بعثت ۳۲
- ۳-۱-۱-۴- نوع معجزه ۳۲
- ۳-۱-۲- ادله نقلی ۳۳
- ۳-۱-۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی ۳۳
- ۳-۱-۲-۲- دلیل روایی ۳۶
- ۳-۱-۳- دیدگاه قرآن کریم ۳۷
- ۳-۲- اخلاق: ۴۰
- ۳-۳- دانش و فرهنگ: ۵۲

۵۳ ۱-۳-۳- شعر و شاعری
۶۳ ۲-۳-۳- علوم
۶۸ ۳-۳-۳- جن، شیطان، غول
۷۰ ۴-۳-۳- کهنانت، سحر
۷۴ ۵-۳-۳- قضا و داوری
۷۵ ۶-۳-۳- ایام العرب
۷۷ ۷-۳-۳- أنصاب، أزلام، میسر
۸۰ ۴-۳- دین:
۸۳ ۱-۴-۳- بت پرستی
۸۸ ۲-۴-۳- کیش‌ها
۹۵ ۳-۴-۳- حج و آیین‌ها
۹۷ ۴-۴-۳- دین حنیف و شرک
۹۹ ۵-۴-۳- جن و اجرام پرستی
۱۰۰ ۶-۴-۳- اعتقاد به الله
۱۰۲ ۵-۳- وضعیت جغرافیایی:
۱۰۴ ۶-۳- وضعیت اجتماعی - سیاسی:
۱۰۷ ۷-۳- وضعیت اقتصادی:
۱۰۸ فصل چهارم: مواجهه قرآن با فرهنگ اعراب
۱۱۰ ۱-۴- برخورد تأییدی - تقریری:
۱۱۰ ۱-۱-۴- نگرش توحیدی
۱۱۳ ۲-۱-۴- ماه‌های حرام
۱۱۳ ۳-۱-۴- ختنه
۱۱۴ ۴-۱-۴- جن، شیاطین، سحر و چشم زخم
۱۱۶ ۵-۱-۴- حج ابراهیمی (ع)
۱۱۶ ۶-۱-۴- تحیه
۱۱۷ ۲-۴- برخورد اصلاحی:
۱۱۷ ۱-۲-۴- نماز
۱۱۹ ۲-۲-۴- عِدّه وفات
۱۱۹ ۳-۲-۴- جن و شیاطین

۱۱۹.....	۲-۴-۴ عقد اخوت
۱۲۰.....	۴-۲-۵ حج
۱۲۲.....	۴-۳ برخورد انکاری:
۱۲۲.....	۴-۳-۱ فرزند دختر و جنس مؤنث
۱۲۵.....	۴-۳-۲ بت پرستی
۱۲۶.....	۴-۳-۳ دهر
۱۲۷.....	۴-۳-۴ ازدواج
۱۲۷.....	۴-۳-۵ زنا
۱۲۸.....	۴-۳-۶ قتل مومن
۱۲۹.....	۴-۳-۷ کشتن فرزند
۱۲۹.....	۴-۳-۸ طواف بدون لباس
۱۳۰.....	۴-۳-۹ طلاق و مهریه
۱۳۱.....	۴-۳-۱۰ بدزبانی
۱۳۱.....	۴-۳-۱۱ ارث
۱۳۲.....	۴-۳-۱۲ غذا خوردن
۱۳۲.....	۴-۳-۱۳ شراب، ازلام، قمار
۱۳۲.....	۴-۳-۱۴ دعوی و تبیی
۱۳۳.....	فصل پنجم: بررسی نظریات گوناگون در خصوص رابطه زبان قرآن با زبان قوم
۱۳۶.....	۵-۱ نظریه زبان قوم:
۱۳۸.....	۵-۲ نظریه بازتاب فرهنگ قوم:
۱۳۹.....	۵-۳ نظریه تجربه دینی:
۱۴۰.....	۵-۴ نظریه مختار:
۱۴۲.....	نتیجه گیری:
۱۴۴.....	فهرست منابع:
۱۵۰.....	منابع اینترنتی:
۱۵۱.....	پیوست ها:

چکیده

قرآن کریم در مکانی بر پیامبر (ص) نزول یافت که مردم آن از لحاظ سواد و فرهنگ اجتماعی و خانوادگی در سطح بسیار نازلی زندگی می‌کردند. قرآن کریم با استفاده از زبان این قوم بخشی از فعالیت‌های آنها را که نادرست بود، تصحیح کرد و بخشی را انکار نمود. تنها بخشی از امور مرسوم آنها را تأیید کرد. در قرآن کریم در وهله اول بنظر می‌رسد که از آداب و رسوم قوم عرب، الگوگیری شده است. اما این مورد اختصاص به این قوم ندارد و اقوام دیگر نیز در فهم آن با قوم عرب مشترک هستند و در ثانی این مقدار از قرآن کریم که به ذکر مواردی از امور عرب پرداخته است در صد اندکی از آیات فراوان قرآن کریم است؛ ضمناً باید یادآور شد که نمی‌توان سخنی را خارج از محدوده زمان و مکان به زبان آورد ناچار قرآن از زبان قوم برای رساندن هدایت الهیه بهره برده است.

مقدمه

پیامبر اکرم (ص) در سرزمینی از جانب خداوند به پیامبری برگزیده شد که در آن، اقوام مختلف، هر یک با آداب و رسوم خاص و ویژه‌ای سکونت داشتند. خدایان مختلف سنگی و چوبی و غیره را به جای خدای واحد می‌پرستیدند و در مقابل آنها قربانی می‌کردند عادات و عقاید باطل و خرافات، زندگی آنان را فرا گرفته بود؛ مردمی که دل‌هایشان همچون سنگ‌های بیابان‌های حجاز، تفتیده و سخت گشته بود، اصلی‌ترین مخاطبان حضرت محمد (ص) پیامبر خدا بودند. او آمده بود که این دل‌های سخت را با نسیم روحبخش وحی الهی نرم و عبد خداوند نماید. قرآن کریم این نسیم جان فزا بود که بر قلب و زبان پیامبر (ص) نازل می‌شد و آن حضرت آن را بر مردم می‌خواند و بازگو می‌نمود.

بطور حتم قرآن کریم به زبان مردم آن زمان نازل گشته است هم چنانکه در قرآن کریم آمده است که: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ مَآئِزِلَ إِلَيْهِمْ» اما این به این معنا نیست که این آیات اختصاص به همان زمان و مردم همان عصر داشته باشد.

علاوه بر تعبیر عام، تعبیر خاص هم از آنها افاده عموم می‌شود. به این معنا که در ذیل هر معنای خاصی معنای عامی هم نهفته هست، که برای بشر آینده مفید واقع گردد و همان گونه که رسول خدا (ص) فرمودند:

«ما مِنْ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا وَ لَهَا ظَهْرٌ وَ بَطْنٌ» از امام باقر (ع) در مورد این حدیث سوال شد فرمودند:

ظاهر قرآن تنزیل آن و باطن آن تأویلش است. و تنزیل ظاهر آیه است که (از لحاظ مکان، زمان یا مخاطب) شأنیت

خاصی دارند و تأویل مفهوم عام منتزع از آیه است که در همه ایام جاری و ساری است. امام (ع) در ادامه اضافه

کردند که: این مفهوم از باطن قرآن است که جاودانگی قرآن را در همه اعصار و قرون تضمین می‌کند.

همان گونه که امام (ع) فرمودند تنها با در نظر گرفتن مفهومی عام که از آن به «باطن» تعبیر شده است، از

هریک از آیات می‌توان آن را آیه‌ای جاودانی از قرآن خالد دانست.

بررسی‌های نشان می‌دهد که برخورد قرآن به عنوان کتاب نازل شده بر پیامبر اکرم (ص) با فرهنگ زمانه

خود برخوردی فعال و نه منفعلانه بوده است از این جهت مطابق اسناد تاریخی قرآن در بسیاری از موارد به اصلاح

عناصر فرهنگی عصر جاهلیت مبادرت کرده و در بسیاری از موارد نیز به کلی به ستیز با فرهنگ جاهلی پرداخته

است. و بدیهی است که این موضوع به معنای تضاد با جاودانگی قرآن و ارائه آن فقط به مردم زمانه خود نیست. در

این تحقیق سعی شده به مواردی که به این موضوع مربوط است پرداخته شود.

پیشینه تحقیق:

این موضوع، از موضوعاتی بوده که غالباً افرادی که به روشنفکران موسومند، مطرح کرده‌اند. تاجایی که

حقیر اطلاع دارم سه کتاب شاخص در رابطه با پاسخ شبهاتی که این گروه بوجود آورده‌اند، تألیف شده است:

۱- قرآن و فرهنگ زمانه، نوشته سید محمدعلی ایازی

۲- بررسی شبهات پیرامون قرآن و فرهنگ زمانه، نوشته حسن رضا رضایی.

۳- شبهات وردود حول القرآن الکریم، نوشته محمد هادی معرفت.

هدف تحقیق:

هدف از این تحقیق اثبات این نکته است که برخورد قرآن با فرهنگ زمانه برخوردی فعالانه بوده است

نه منفعلانه. و آن مقدار از فرهنگ قوم را که با اصول اسلامی هماهنگ بوده، پذیرفته و در غیر این صورت در

صورت امکان آن فرهنگ و آداب را تصحیح می‌کند. و در نهایت اگر به هیچ عنوان قابل تأیید و یا اصلاح نبود، رد

می‌نماید.

روش تحقیق:

روش این تحقیق براساس روش کتابخانه‌ای و یافتن در سایت‌های جامع اینترنتی منابع علوم اسلامی و

استفاده از نرم‌افزارهای جامع در این زمینه بوده است. در این تحقیق از کتب جامع‌ترین کتابخانه‌های موجود در

شهر تهران استفاده شده است همچون کتابخانه ملی، کتابخانه دانشگاه تهران و کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

سؤالات تحقیق:

۱. برخورد قرآن کریم با فرهنگ زمانه نزول چگونه بوده است؟
۲. آیا قرآن کریم تمامی فرهنگ عصر نزول را پذیرفته است؟
۳. آیا قرآن کریم از فرهنگ عصر نزول تأثیر پذیرفته است؟
۴. آیا هدایتگری عمومی قرآن با تأثیر آن از فرهنگ عصر نزول هماهنگی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. قرآن کریم جنبه‌های مثبت فرهنگ عصر نزول را تأیید کرده است.
۲. قرآن کریم همه فرهنگ جاهلی را نپذیرفته است.
۳. تأیید جنبه‌های مثبت فرهنگ جاهلی با هدایتگری عام قرآن منافاتی ندارد.

منابع تحقیق:

منابع این تحقیق در چند دسته کلی قابل تقسیم است:

۱. منابع نرم‌افزاری: که شامل سی‌دی‌های جامع‌التفاسیر، لغت‌نامه و... و استفاده از سایت‌های جامع اینترنتی که در رابطه با علوم اسلامی است.
۲. منابع تاریخی: که شامل کتب تاریخی در رابطه با تاریخ جاهلیت و زمان نزول قرآن می‌باشد. مانند: کتاب‌های «تاریخ و تمدن عرب» گوستاو لوبون «المفصل» دکتر جوادعلی، و... .
۳. منابع لغوی: همچون، «العین» فراهیدی، «قاموس المحيط» فیروزآبادی و... می‌باشد.
۴. منابع کلامی: که شامل کتبی هستند که به بحث راجع به نحوه برخورد قرآن با فرهنگ زمانه می‌پردازند مانند

کتاب «شبهات وردود» آیه‌الله معرفت.

۵. منابع تفسیری: چون «تفسیر المیزان» علامه طباطبائی و...

ارکان تحقیق:

این پایان نامه در پنج فصل به موضوع «قرآن و فرهنگ عصر نزول» پرداخته است:

فصل اول - کلیات (معناشناسی واژگان)

فصل دوم - قرآن کریم و ویژگی‌های آن

فصل سوم - جاهلیت و ویژگی‌های آن

فصل چهارم - مواجهه قرآن با فرهنگ اعراب

فصل پنجم - بررسی نظریات گوناگون در مورد رابطه زبان قرآن با زبان قوم

فصل اول:

کلیات

معناشناسی واژگان

مدخل:

واژه‌ها همواره وسیله‌هایی هستند که به انسان در فهم مسائل کمک می‌کنند. این واژه‌ها هستند که انسان‌ها را توانا می‌سازند که سخن یکدیگر را بفهمند.

در اثر مرور زمان معنای واژه‌ها به تدریج از آنچه برای آن وضع شده‌اند تغییر می‌یابد و مفهومی دیگر را می‌رسانند. تغییر مفهوم لغات و واژه‌ها فی حدّ نفسه ممکن است خللی نباشد اما این موضوع هنگامی اهمیت می‌یابد که فردی در زمان حال بخواهد مفهوم کلمه‌ای را در ادبیات سابق دریابد تا متوجه شود که منظور از آن کلام چیست.

این موضوع به خودی خود، اهمیت یافتن معنای واژگان را در زبان مبدأ نشان می‌دهد. در این بین رجوع به لغت‌نامه‌ها، به ویژه لغت‌نامه‌های کهن و نزدیک عصر پیدایش لغت مورد استعمال، کمک شایان توجهی به فهم ادبیات گذشته می‌کند، که واژه «فرهنگ» هم از این قاعده مستثنی نیست.

۱-۱ معاشناسی واژه «فرهنگ» :

واژه فرهنگ نیز-همانند بسیاری از واژگان- از قاعده تغییر معانی در اثرمرور زمان مصون نمانده است؛ در پی تفحص و جستجو در لغت‌نامه‌های مختلف و منابع دیگر این امر روشن شد که این واژه در اصل معنایی غیر از معنای فعلی داشته که البته با معنای فعلی آن به گونه‌ای مرتبط است.

۱-۱-۱ معنای لغوی:

واژه «فرهنگ» در زبان فارسی به دو معنی به کار رفته است:

۱. ادب (نفس)، ترتیب

۲. دانش، علم، معرفت^۱

این معنا دقیقاً معادل معنای کلمه «ثقافه» در عربی است^۲، کلمه «ثقافه» در اصل مصدری از باب «تَقَفَ -

يَتَقَفُ» به معنای متبحر شدن است.

در «لسان العرب» ذیل ماده ی «ث.ق.ف» آمده است:

«تَقَفَ الرَّجُلُ ثِقَافَهُ أَي صَارَ حَازِقًا خَفِيفًا فَهُوَ تَقَفٌ مِثْلُ ضَخْمٍ فَهُوَ ضَخْمٌ وَ مِنْهُ الْمُثَاقِفَةُ»^۳

همچنین در «العين» که کهن‌ترین لغت‌نامه از لحاظ نزدیکی به عصر نزول قرآن می‌باشد، در تکمیل معنای این واژه آورده شده است که «تَقَفَ يَتَقَفُ» در واقع فعل لازم است و اگر چنین باشد مصدرش «ثِقَافَهُ» خواهد بود اما اگر از باب «تَقَفَ - يَتَقَفُ» باشد فعلی است متعدی و مصدرهایش عبارت خواهند بود از: «تَقَفًا وَ ثِقَافًا وَ تُقَفَةً» اما در

۱ - معین، محمد - فرهنگ فارسی - ذیل «فرهنگ»

۲ - آذرنوش، آذرتاش - فرهنگ معاصر - ذیل «ثقافه»

۳ - ابن منظور - لسان العرب - ذیل ماده «تقف»

معنای اصلی مستفاد از این ریشه - جز در احتیاج به مفعول - تفاوتی نیست.

«العین» این گونه در ذیل ماده «تقف» آورده است که^۱:

«والتقفُ مصدر الثقافه و فعله تَقْفَ اذا لزم و تَقِفْتُ الشیءَ، و هو سرعه تعلمه».

ابن منظور هم اینچنین آورده است که^۲:

«تَقِفَ الشیءَ تَقْفًا و تَقَافًا و تَقْفَهُ حَذَقَهُ. و یقان تَقِفَ الشیءَ و هو سرعه التعلم».

همچنین از باب «تَقِفَ - یَتَقَفُ» با مصدر تَقْفًا هم معنا به همین گونه است و به معنی حاذق شدن و زیرک

شدن است. در لسان العرب آمده است^۳:

«تَقِفَ ایضاً تَقْفًا مثل تَعَبَ تَعَبًا ای صار حاذقاً فطناً فهو تَقِفٌ و تَقْفٌ مثل حَذَرَ و حَذُرٌ».

«فیروزآبادی» هم در «القاموس المحيط»^۴ آورده است که:

«تَقْفٌ: كَكْرُمٍ و فَرِحَ تَقْفًا و تَقْفًا و تَقَافَةً: صار حاذقاً خفیفاً فطناً فهو. تَقْفٌ كَجَبْرِ».

پس در واقع فیروزآبادی هم معتقد است که «تقف - یثقف» و «تقف - یثقف» در معنا معادل یکدیگرند. و

مصدر هر دو وزن را با هم ذکر کرده است.

در کتاب «اقرّب الموارد» هم این چنین آمده است که^۵:

«تَقْفٌ و تَقْفًا و تَقَافَةً صار حاذقاً خفیفاً فهو تَقْفٌ»:

در تأیید این مطلب در دیگر لغت‌نامه‌ها هم همین مضمون تکرار شده است به عنوان نمونه در «مختار

۱ - فراهیدی، خلیل - العین - ذیل ماده «تقف»

۲ - ابن منظور - لسان العرب - ذیل ماه «تقف»

۳ - ابن منظور - لسان العرب - ذیل ماده «تقف»

۴ - فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب - القاموس المحيط - ذیل ماده «تقف»

۵ - الشرتونی اللبانی، سعید - اقرّب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد - ذیل ماده «تقف»